

جامعه‌شناسی مجازات‌ها ضرورتی فراموش‌شده

حجت مبین

دبیر اجرایی همایش کاهش مجازات حبس راهکارها و چالش‌ها

چکیده

اگر تا چندی پیش برخی در امکان جمع دو رشته جامعه‌شناسی و حقوق تردید داشتند، ولی امروزه نه تنها کسی در امکان این امر شک ندارد بلکه ضرورت انجام مطالعات جامعه‌شناسی حقوق بر کسی پوشیده نیست. امروزه جامعه‌شناسی حقوقی، جای خود را به عنوان یکی از شاخه‌های جامعه‌شناسی باز کرده است و حقوقدانان و جامعه‌شناسان بسیاری در این حوزه به اظهارنظر پرداخته‌اند. حقوق کیفری یکی از بخش‌های مهم حقوق را تشکیل می‌دهد که با توجه به موضوع آن یعنی مطالعه جرم، مجرم و کیفر، ارتباط ویژه‌ای با جوامع انسانی دارد، چرا که جرم و مجرم و به دنبال آن کیفر زاینده جوامع بشری است. مطالعات جامعه‌شناسی در حوزه حقوق کیفری و به ویژه در خصوص جرم و مجرم، به عنوان زیرمجموعه‌ای از علم «جرم‌شناسی» رونق فراوان یافته است. ولی در خصوص «کیفر» مطالعات جامعه‌شناسی کمتری به چشم می‌خورد. در حالیکه کیفر یعنی پاسخ اجتماعی در مقابل جرم، بی‌شک اهمیتی کمتر از خود پدیده مجرمانه ندارد. از سوی دیگر، موفقیت حقوق کیفری در پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین تا حدود زیادی وابسته به موفقیت در روش‌های اعمال کیفر می‌باشد. بنابراین بی‌تردید مطالعه جامعه‌شناسی کیفر و در سطح گسترده‌تر مطالعات کیفرشناسی، ما را در اجرا، ارزیابی و اصلاح قوانین کیفری یاری خواهد کرد.

واژگان کلیدی: جامعه‌شناسی حقوقی،

حقوق کیفری، جرم‌شناسی، کیفرشناسی، کیفر

Mots clés: Sociologie Juridique,

droit penal, criminology, pénologie, peine

مقدمه

«ارزیابی مجازات» یکی از مهم‌ترین مسائلی است که بایستی در حذف یک مجازات و یا وضع مجازات جدید مورد توجه قرار گیرد. به عبارت دیگر، قبل از اینکه تصمیم بگیریم یک نوع مجازات را حذف کنیم یا استفاده از آن را کاهش دهیم و مجازات دیگری را جایگزین آن سازیم، اولاً بایستی کارنامه روشنی از آثار و نتایج مجازات سابق را مد نظر قرار دهیم و ثانیاً حداقل یک ارزیابی اولیه از مجازات جایگزین به عمل آورده باشیم.

اگرچه روش‌های متعددی برای ارزیابی و مطالعه کیفر وجود دارد، ولی بر این عقیده‌ایم که مطالعه جامعه‌شناسی کیفر می‌تواند بیش از سایر روش‌ها کارساز باشد. در شرایطی که قصد داریم مجازات زندان یعنی اصلی‌ترین و محوری‌ترین مجازات در نظام کیفری خود را حذف نماییم و یا استفاده از آن را محدود کنیم و دست به دامان مجازات‌های جایگزین شویم، ضرورت مطالعات جامعه‌شناسی در حوزه مجازات بیش از پیش خودنمایی می‌کند.

نوشتار حاضر به بررسی نکاتی در خصوص روش جامعه‌شناسی

در مطالعات حقوقی به ویژه مطالعات حقوق کیفری در حوزه مجازات‌ها، می‌پردازد. بر همین مبنا در ابتدا به بررسی مفهوم و ضرورت جامعه‌شناسی حقوقی و تعامل جامعه‌شناسی و حقوق می‌پردازیم؛ در ادامه پس از بررسی اهداف کیفر، مطالعه مجازات از دو دیدگاه جامعه‌شناسی حقوق کیفری و کیفرشناسی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

جامعه‌شناسی حقوقی

جامعه‌شناسی حقوقی از شاخه‌های اصلی جامعه‌شناسی است، اما شاخه‌ای جوان محسوب می‌شود که در دهه‌های اواسط قرن بیستم توجه همگان را به خود جلب نمود. جامعه‌شناسی به عنوان یک رشته علمی جایگاه خاص خود را دارد و علم حقوق نیز رشته‌ای است مستقل با ویژگی‌های خاص خود. قبل از هر چیز بهتر است به این دو سؤال اساسی پاسخ دهیم که آیا می‌توان جامعه‌شناسی و حقوق را با هم ترکیب کرد؟ و اگر این کار امکان دارد آیا ضرورتی هم دارد؟

برخی حقوقدانان عقیده دارند، اصولاً مطالعات جامعه‌شناسی، اصل و پایه حقوق به معنای (نظم و ترتیب و قواعد آمره) را زیر سؤال می‌برد. جامعه‌شناسی به مطالعه آنچه هست می‌پردازد و حقوق با وضع قواعدی آمره و تعیین تضمین‌هایی برای آن، به آنچه که باید باشد، می‌اندیشد. از این رو این دسته از حقوقدانان عقیده دارند می‌بایست مرز میان جامعه‌شناسی و حقوق را کاملاً از یکدیگر تفکیک کرد و جامعه‌شناس و حقوقدان، هر یک با روش‌های خود به کار خود بپردازد و اساساً بین این دو رشته به دلیل تفاوت در روش‌ها و اهداف نقطه مشترکی وجود ندارد.

ولی امروزه این نظر نه طرفدارانی در بین حقوقدانان دارد و نه در میان جامعه‌شناسان. در حال حاضر ضرورت مطالعات جامعه‌شناسی حقوقی به عنوان یک شاخه علمی پذیرفته شده، جلب نظر می‌نماید. موریس هوریو^۱ حقوقدان و جامعه‌شناس فرانسوی می‌گوید: «بخش اندکی از جامعه‌شناسی از خطه حقوق دوری می‌گزیند، اما بخشی بزرگ از آن به سراپرده حقوق روی می‌آورد. چنانچه بخواهیم به دقت این گفتار بیفزاییم، باید اضافه کنیم که قسمت ناچیزی از حقوق نیز از جامعه‌شناسی دور می‌شود و قسمت معتابھی از آن به جامعه‌شناسی رو می‌نماید.»^۲ همان‌طور که هوریو یا گورویچ

اذعان می‌کنند، بایستی پذیرفت که امروزه آموختن جامعه‌شناسی برای هر حقوقدان ضرورتی انکارناپذیر دارد و استفاده از روش‌های جامعه‌شناسی باید در دستور کار هر حقوقدان قرار گیرد. این سخن بوگله^۳ را به خاطر داشته باشیم که «هر یک از این دو گروه [حقوقدانان و جامعه‌شناسان] در حین آن که به کندن نقب از جانب خود ادامه می‌دهند کارشان با برخورد کلنگ‌هایشان به یکدیگر از دو طرف نقب پایان خواهد یافت!»^۴ برخلاف تصور گروه اول که حقوق و جامعه‌شناسی را قابل جمع نمی‌دانند و معتقدند حقوق از یک سلسله اصول منطقی و عقلی محض تبعیت می‌کند و جامعه‌شناسی صرفاً به واقعیات اجتماع نظر دارد و جمع این دو امکان ندارد، باید گفت نه تنها این دو شاخه علمی را می‌توان با هم جمع کرد، بلکه اگر بخواهیم حقوقی زنده و پویا داشته باشیم، این مهم بدون مطالعات جامعه‌شناسی ممکن نخواهد بود.

امروزه آموختن جامعه‌شناسی برای هر حقوقدان ضرورتی انکارناپذیر دارد و استفاده از روش‌های جامعه‌شناسی باید در دستور کار هر حقوقدان قرار گیرد.

جامعه را باید حقوق پویا و زنده دانست؛ هرگاه حقوقدان به این حقوق انعطاف‌پذیر و پویانده‌ای که در حرکت جاویدان است توجه نکند و بخواهد پاسخ هر مسئله‌ای را در کتاب‌ها و در میان قوانین جستجو کند و در تدوین قوانین هم فقط بر اصول نظری متکی باشد، در معرض این خطر خواهد بود که بنایی بسازد که از واقعیت جامعه کاملاً به دور باشد. مسلماً این بنای ناآشنا و نامأنوس چند روزی بیش پابرجا نخواهد ماند.

«پدیده‌هایی مانند پدیده‌های حقوقی، اخلاقی، اقتصادی، دموگرافیک (علم اقوام و طبقه‌بندی آن‌ها)، مذهبی، زبانی و غیره فقط در زندگی اجتماعی یعنی در مجتمع امکان‌پذیرند و بس. این پدیده‌ها علاوه بر صفات مخصوص به خود، دارای یک صفت مشترک (اجتماعی) می‌باشند. این پدیده‌های اجتماعی‌اند که همگی، دارای یک ریشه معرفت‌نفسی و یک شکل تاریخی می‌باشند. چه، پدیده‌های مزبور اگر چه نتیجه

عوامل روحی افرادند، در زندگی اجتماعی تحقق می‌یابند و همان طوری که مجتمع انسانی تغییر می‌کند، آن‌ها نیز، با سیر زمان تغییر می‌یابند.»^۵

این جمله معروف را بارها شنیده‌ایم که «تبهکاران همیشه یک‌قدم جلوتر از قانون هستند»، جامعه‌شناسی حقوقی، به علم حقوق می‌کند تا این تأخیر را جبران کند و بتواند خود را با حیات حقوق خروشان و پویا هماهنگ سازد. به قول گورویچ و «حقوقدانان گرایش دیرینه‌ای به جزمی‌گرایی و محافظه‌کاری دارند و مایلند فن حقوق را که جنبه نسبی دارد با فکر سرمدی و عقل اول حقوقی یکی سازند»^۶ که این امر می‌تواند نهایتاً به جمود و مومیایی شدن حقوق بینجامد. ولی جامعه‌شناسی حقوقی در تلاش است به حقوق پویایی و جنبش دهد. گورویچ در نهایت ضرورت تجهیز حقوقدانان به جامعه‌شناسی حقوقی را چنین ترسیم می‌کند: «حقوقدان بی‌آنکه به کاری نظیر کار جامعه‌شناس بپردازد و بی‌آنکه به جامعه‌شناسی حقوقی متوسل شود، نخواهد توانست حتی یک گام به پیش بردارد.»^۷

از این هم می‌توان جلوتر رفت و مدعی شد «حقوقدانان غالباً بی‌آنکه خود متوجه باشند، جامعه‌شناس‌اند»^۸ چرا که حقوق اساساً رشته‌ای است اجتماعی و بدون توجه به جامعه، درک حقوق، بی‌معنا خواهد بود. حتی حقوقدانان روم باستان که بیشتر بر منطق حقوقی تکیه داشتند و کمتر به جامعه و شناخت آن در مطالعات حقوقی اهمیت می‌دادند، در ضرب‌المثلی می‌گفتند: «هر جا جامعه‌ای باشد، حقوق هم هست»^۹

تعامل جامعه‌شناسی و حقوق

جامعه‌شناسی در سه بخش مهم بر حقوق اثر می‌گذارد. نخست در مرحله تدوین قوانین. اگر بخواهیم قوانینی به تصویب برسانیم که مؤثر و پاسخ‌گوی معضلات جامعه باشد، می‌بایست به ابزار جامعه‌شناسی حقوقی مجهز شد. اگر در تدوین قوانین به جامعه‌شناسی حقوقی توجه نشود، قانون تدوین شده هرگز نمی‌تواند نیازهای جامعه را برآورده سازد و حتی می‌توان گفت قانونی که اینچنین تدوین شود، مدت درازی پابرجا نمی‌ماند. نتیجه اینکه جامعه‌شناسی حقوقی نه تنها هستی علم حقوق را تهدید نمی‌کند، بلکه چون این علم را از پایه‌های



مورد توجه قرار گیرد که کیفرها باید به گونه‌ای باشند که حداقلی از این هدف را تأمین نمایند و گرنه مردم اصلاً آنرا کیفر نمی‌دانند و لذا با اعمال آن‌ها، رضایت افکار عمومی هیچ‌گاه حاصل نخواهد شد. این نکته به ویژه در تعیین مجازات‌های جایگزین بایستی مد نظر قرار گیرد. از نظر عامه مردم بسیاری از مجازات‌های جایگزین اصلاً مجازات به شمار نمی‌آیند و به عقیده آنان اعمال این مجازات‌ها با آزادی مجرم فرقی نمی‌کند.

ب) رسالت فایده مندی کیفر

۱- عبرت‌آموزی و ارباب‌انگیزی

ایجاد رعب در میان کسانی که قصد ارتکاب جرم را دارند یکی از اهداف مجازات‌هاست. قانونگذار سعی دارد با وضع مجازات از ارتکاب جرم توسط دیگران و همچنین خود مجرم جلوگیری نماید. مجازات‌های سنگینی که در گذشته اعمال می‌شد، برای نیل به این هدف بود. تا قبل از آغاز حقوق کلاسیک اعتقاد بر این بود که تأمین این هدف تنها از طریق تشدید مجازات‌ها ممکن است. لذا هر گاه عملی بیشتر نظم عمومی جامعه را بر هم می‌زد، مجازات آنرا شدت می‌بخشیدند و برای ترساندن سایرین آنرا در ملاء عام اجرا می‌کردند.

ولی از زمان بکاریا، این تحول ایجاد شد که هدف اربابی مجازات‌ها تنها با تشدید کیفرها تأمین نمی‌شود، بلکه حتمی بودن مجازات‌ها این هدف را بیشتر تأمین می‌کند. بکاریا عقیده داشت: «برای آنکه کیفر تأثیر مطلوب را داشته باشد، کافی است که رنج حاصل از آن بیش از سودی باشد که از جرم عاید می‌شود و برای این رنج بیشتر، باید اثر قطعی کیفر و ناکامی از تحصیل سود حاصل از جرم در نظر گرفته شود.»^{۱۴} این تفکرات در ملایم شدن کیفرها بسیار مؤثر بود.

علاوه بر ارباب‌عمومی، ارباب خصوصی یعنی ترساندن خود مجرم و جلوگیری از تکرار جرم توسط او، از اهداف مهم کیفرهاست. بررسی آمار تکرار جرم می‌تواند به ما نشان دهد، یک مجازات تا چه اندازه توانسته این هدف را برآورده سازد. آمارهایی که از بازگشت مجرمین به زندان ارائه می‌شود، می‌تواند مؤید این نظر باشد که مجازات حبس حداقل در خصوص برخی از مجرمین خاصیت اربابی (ارباب خصوصی) خود را از دست داده است.

۲- اصلاح و بازپروری

شده، در بایم آیا اعمال این مجازات توقعات ما را برآورده ساخته است یا خیر؟

امروزه حقوق‌دانان برای کیفر اهداف مختلفی را عنوان می‌کنند. هر یک از این اهداف در برخی دوره‌ها بسیار مورد توجه بوده و در دوره دیگر مورد بی‌مهری قرار گرفته است. ولی به هر حال این اهداف کم و بیش در مورد هر کیفر مطرح می‌شوند.^{۱۵} این اهداف و نحوه رسیدن به آن‌ها تا حدود زیادی وابسته به شرایط خاص اجتماعی و فرهنگی جوامع است، لذا از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر و از دوره‌ای به دوره‌ی دیگر متفاوت است.

الف) رسالت اخلاقی (سزادهی)

کیفر از دیرباز مکافات عمل مجرمان

از نظر عامه مردم بسیاری از مجازات‌های جایگزین اصلاً مجازات به شمار نمی‌آیند و به عقیده آنان اعمال این مجازات‌ها با آزادی مجرم فرقی نمی‌کند.

یک قانون هر اندازه هم که مبتنی بر نیازهای جامعه تدوین شده باشد، چون نیازهای جامعه در حال تغییر است، نیازمند اصلاح و بازبینی است که این اصلاحات اگر بر پایه مطالعات جامعه‌شناسی استوار نباشد، ثمربخش نخواهد بود.

بوده است. وقتی فردی قواعد اجتماعی مهم را نقض می‌کند و نظم عمومی را مختل می‌نماید، مستحق کیفر است. این مکافات در گذشته خود را به صورت «انتقام جویی اجتماعی» نشان می‌داد و مجازات کردن مجرم، به نوعی انتقام کشیدن از او محسوب می‌شد. اگر چه امروزه، هنوز هم عدالت کیفری بر مکافات مجرمین تأکید دارد، ولی این هدف با گذشته بسیار متفاوت است. لذا در نحوه اعمال مجازات‌ها دگرگونی‌های بسیاری حاصل شده است، تا جایی که «افکار عمومی غالباً چنین می‌پندارند که با بزهکاران به ویژه در مورد رژیم‌هایی که بر چگونگی اجرای محکومیت‌های کیفری آنان حاکم است، با عطف رفتار می‌شود.»^{۱۶} این نکته در تعیین نوع مجازات بایستی

ضروری خود عرضه می‌کند، بدان ثابت و اثر می‌بخشد.

دوم آنکه در حوزه اعمال قوانین هم، داشتن دید صحیح جامعه‌شناسی حقوقی، قضات را در برقراری عدالت یاری می‌کند. بدیهی است که جامعه‌شناسی حقوقی برای کار قضات ضروری است، زیرا آنان به اعمال حقوق در موارد عینی می‌پردازند، به ویژه در مواردی که قانون دست قضات را در محدوده‌های خاص بازگذاشته است، جامعه‌شناسی حقوقی قضات را در حق‌گذاری یاری می‌دهد. در سیستم حقوق نانوخته^{۱۷} (عرفی) این نقش بسیار مؤثرتر است. زیرا دید جامعه‌شناسی یک قاضی می‌تواند، رویه‌ای را پایه‌گذاری نماید که مبنای احکام بعدی قرار گیرد.

سومین حوزه‌ای که جامعه‌شناسی حقوقی در آن اثرگذار است، بررسی و ارزیابی قوانین موجود است. یک قانون با اهداف خاصی به تصویب می‌رسد. برای پاسخ به اینکه این قانون تا چه حدی این اهداف را برآورده است و یا چه مشکلاتی آنرا از رسیدن به اهدافش بازداشته است، یک پژوهش جامعه‌شناختی ضروری به نظر می‌رسد. در این حوزه قانون به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد ارزیابی و دقت قرار می‌گیرد و واکنش‌های جامعه نسبت به آن بررسی می‌شود. یک قانون هر اندازه هم که مبتنی بر نیازهای جامعه تدوین شده باشد، چون نیازهای جامعه در حال تغییر است، نیازمند اصلاح و بازبینی است که این اصلاحات اگر بر پایه مطالعات جامعه‌شناسی استوار نباشد، ثمربخش نخواهد بود.^{۱۸}

غرض از ذکر این مقدمات طولانی این بود که بیان نمائیم، روش‌های جامعه‌شناسی می‌بایست در حقوق بیش از گذشته مورد استفاده قرار گیرند. این نیاز در حوزه قانونگذاری کیفری به مراتب بیشتر احساس می‌شود. با توجه به اینکه قوانین برای اجرا در جوامع تصویب می‌شوند، بررسی میزان موفقیت آن‌ها، بررسی جامعه‌ای است که قانون در آن اجرا شده و بررسی قانون جدای از جامعه کاری بیهوده خواهد بود.

اهداف کیفر

بررسی اهداف کیفر از این جهت اهمیت دارد، که قبل ارزیابی یک مجازات بایستی اهداف خود را از اعمال این مجازات مشخص نمائیم و پس از ارزیابی مجازات و مقایسه نتایج حاصله با اهداف از پیش تعیین

امروزه این هدف بیش از سایر اهداف کیفر مدنظر حقوقدانان قرار گرفته است. عقیده عموم حقوقدانان و جرم‌شناسان بر این است که کیفر باید مجرم را برای بازگشت به جامعه آماده کند. البته رسالت اصلاح مجرمین در گذشته هم مورد توجه بود، لیکن تصور بر این بود که مجرم با تحمل رنج و سختی اصلاح می‌شود و لذا هدف از اعمال کیفر، پاک کردن مجرم به واسطه سختی دادن او بود. البته باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که این هدف در مورد کیفرهایی قابل تصور است که هدف طرد دائمی مجرم را ندارد.

۳- حذف و طرد

در نظام‌های حقوقی گذشته اندیشه طرد مجرمین طرفداران بسیاری داشت، لذا مجازات‌های اعدام، حبس دائم در سياهچال‌ها و یا تبعید همیشگی به مستعمرات بسیار رایج بود. ولی رفته رفته با گسترش اندیشه‌های اصلاح مجرمین، هدف حذف و طرد مجرمین هم رو به افول گذاشت. مجازات اعدام در بسیاری کشورها حذف شد و حبس ابد هم عملاً اجرا نمی‌گردد.^{۱۵}

اهداف کیفر را بدان جهت برشمردیم تا این نکته را متذکر شویم که در مطالعات در خصوص کیفرها بایستی همواره این مسئله مورد توجه قرار گیرد که کیفر برای اهداف فوق وضع شده است و اعمال کیفر زمانی موفقیت‌آمیز تلقی خواهد شد که بتواند این اهداف را کم و بیش برآورده کند. این که هر کدام از این اهداف از چه مرحله‌ای از اهمیت قرار دارند، با توجه به نوع جرم، جامعه و عوامل دیگر متفاوت است، ولی به هر حال باید توجه داشت، اگر کیفر نتواند اهداف خود را برآورده سازد، باید به اعمال آن به دیده تردید نگریست.

مطالعات جامعه‌شناسی ما را در شناخت آثار کیفرها و میزان موفقیت در دستیابی به اهداف یاری می‌نماید. در ابتدا متذکر شدیم که مطالعات جامعه‌شناسی حقوقی در حوزه‌های ارزیابی، اجرا و تدوین قوانین می‌تواند مؤثر باشد. در اجرای کیفرهای موجود، مطالعات جامعه‌شناسی

می‌تواند به شکل مؤثری عدالت کیفری را تضمین نماید. اگر چه قاضی کیفری محصور در چارچوب قانون است، ولی باز هم در بین حداقل‌ها و حداکثرها آزاد است و باید تصمیم بگیرد.

جامعه‌شناسی حقوق کیفری

جامعه‌شناسی حقوق کیفری و عدالت کیفری تا چندی پیش کاملاً ناشناخته بود ولی چندین دهه است که ترقی فزاینده‌ای نصیب آن شده است، تا بدان حد که امروزه جرم‌شناسی را به گونه بسیار وسیع تحت عنوان «جرم‌شناسی واکنش اجتماعی» می‌شناسند. جامعه‌شناسی حقوق کیفری برخلاف

مطالعات جامعه‌شناسی ما را در شناخت آثار کیفرها و میزان موفقیت در دستیابی به اهداف یاری می‌نماید.

موضوع مطالعه در جرم‌شناسی، پدیده مجرمانه است و در جامعه‌شناسی حقوق کیفری، موضوع مطالعه واکنش‌های جامعه در مقابل پدیده مجرمانه.

جامعه‌شناسی جنایی، شاخه‌ای از علم جامعه‌شناسی حقوقی است که «جنبه‌های مختلف واکنش اجتماعی علیه جنایت را بررسی می‌کند نه به لحاظ هنجارهای حقوقی، بلکه از این جهت که امور اجتماعی هستند.» بدیهی است در این مطالعات روش‌های جامعه‌شناسی به کار می‌رود. جامعه‌شناسی حقوق کیفری را می‌توان به سه حوزه تقسیم کرد. جامعه‌شناسی حقوق کیفری مطلق^{۱۶} که به بررسی قوانین کیفری به صورت تجربی می‌پردازد. جامعه‌شناسی کیفر، که کیفرها را به مثابه امور اجتماعی تلقی می‌کند و درباره شرایط جامعه‌شناختی ظهور و توسعه کیفرها و همچنین درباره آثاری که در جامعه پدید می‌آورند، مطالعه می‌نماید. سومین بخش جامعه‌شناسی حقوق کیفری، جامعه‌شناسی محاکمه کیفری یا فرآیند کیفری است که به مطالعه ارگان‌ها و نهادهای مختلف عدالت کیفری می‌پردازد. از قبیل دادگاه‌های عام و خاص، دادسرا، بازپرس، قضات، پلیس، ضابطین دادگستری، کارشناسان، وکلا، مشاوران و ...^{۱۷}

باید توجه داشت تفاوت مهمی بین جامعه‌شناسی حقوق کیفری و جرم‌شناسی در موضوعات و روش‌ها وجود دارد. جرم‌شناسی به بررسی جنبه‌های مختلف «جرم» به عنوان یک «کنش اجتماعی» می‌پردازد، در حالی‌که جامعه‌شناسی حقوق کیفری جنبه‌های مختلف تجربی «واکنش» در برابر «کنش‌های مجرمانه» را بررسی می‌کند. از این رو موضوع مطالعه در این دو رشته کاملاً متمایز است. به دیگر سخن موضوع مطالعه در جرم‌شناسی، پدیده مجرمانه است و در جامعه‌شناسی حقوق کیفری، موضوع مطالعه واکنش‌های جامعه در مقابل پدیده مجرمانه. همان طور که بیان شد این واکنش‌ها در سه چارچوب قابل بررسی است: قوانین کیفری، کیفر و فرآیند محاکمه کیفری. علاوه بر این جامعه‌شناسی حقوق کیفری در روش خود با جرم‌شناسی متفاوت است. جامعه‌شناسی حقوق کیفری در حقیقت استفاده از روش جامعه‌شناسی در مطالعات حقوقی است،





اقدامات تأمینی و تربیتی و نیز طرز کار عملی و مسائل مرتبط با رژیم‌های متنوع اعمال آن‌ها را بررسی و مطالعه می‌کند.^{۲۲}

ریموند گسن^{۲۳} کیفرشناسی را شاخه‌ای از علوم جنایی می‌داند که نقش ضمانت‌اجراهای کیفری، قواعد اجرای آن‌ها و روش‌های مورد استفاده در کاربرد آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد.^{۲۴}

کیفرشناسی به عنوان شاخه‌ای مستقل سابقه چندان طولانی ندارد. ولی علم اداره زندان‌ها^{۲۵} را که دارای سابقه‌ای طولانی‌تر است، می‌توان مقدمه کیفرشناسی دانست. از زمانی که سلب آزادی محور ضمانت‌اجراهای کیفری شده است، علم اداره زندان‌ها، مورد ملاحظه قرار گرفته است که بطور مشخص به بررسی کیفرهای سالب آزادی به ویژه حبس می‌پردازد. امروزه اگر چه سلب آزادی کماکان جایگاه مهمی را در مقررات کیفری دارا می‌باشد، اما تنوع ضمانت‌اجراهای کیفری و به ویژه مجازات‌های جایگزین حبس، سبب شده است تا علم اداره زندان‌ها وسعت یابد و ضمن بررسی و مطالعه کلیه کیفرها، نام کیفرشناسی به خود گیرد.^{۲۶}

تا پایان سده قبل معمولاً در فرانسه کیفرشناسی را مشابه جرم‌شناسی می‌پنداشتند و برخی متخصصان در تألیفات خود قسمت اول کتاب را به جرم‌شناسی و قسمت دوم را به کیفرشناسی و علم زندان‌ها اختصاص می‌دادند. ولی برخی دیگر معتقدند جرم‌شناسی و کیفرشناسی دو علم مستقل هستند.^{۲۷} تحولات حقوق کیفری امروز، کیفرشناسی را به عنوان یک رشته مهم و مستقل مطرح کرده است، به گونه‌ای که ضرورت مطالعات نظری و عملی در این حوزه بر کسی پوشیده نیست.

از آنچه بیان شد نتیجه می‌گیریم، هرچند در نخستین نگاه، کیفر امری ساده تلقی می‌شود: فردی جرمی مرتکب شده (کنش) و جامعه هم او را کیفر می‌دهد (واکنش). ولی اگر با دقت بیشتری به این امر توجه کنیم، به خوبی روشن می‌شود، همان قدر که جرم یک واقعیت اجتماعی پیچیده است و از عوامل متعددی تأثیر می‌گیرد، به همان اندازه و حتی شاید بیشتر، کیفر نیز واقعیتی است اجتماعی که در سطحی گسترده آثاری بر اجتماع می‌گذارد و از عوامل مختلف تأثیر می‌گیرد. کیفر به عنوان یک پدیده اجتماعی بر مجرمی که آنرا تحمل می‌کند، خانواده

می‌گیرند. چنانکه دیدیم در جامعه‌شناسی حقوق کیفری، کیفر به عنوان یکی از اشکال مختلف واکنش اجتماعی علیه بزه و نیز آثار اجتماعی و تصورات مردم از آن‌ها بررسی می‌شود. در حقوق جزای عمومی اشکال مجازات‌ها و شرایط عمومی آن‌ها بررسی می‌شود. در آئین دادرسی کیفری و اجرای احکام کیفری مجازات‌ها از لحاظ رژیم‌های اجرای کیفر مورد بررسی قرار می‌گیرند. به عبارت دیگر طریق اجرای مجازات‌هایی که مقنن آن‌ها را به رسمیت شناخته است و دادگاه آن را مورد حکم قرار داده بررسی

مطالعه و شناسایی کیفرها از میان کل ضمانت‌اجراهای موجود و نیز بررسی تحولات و سنجش کارایی آن‌ها بر حسب محکومان و روش‌ها و مسائل مختلف مربوط به اجرا و اعمال آن‌ها برعهده «کیفرشناسی» است.

همان قدر که جرم یک واقعیت اجتماعی پیچیده است و از عوامل متعددی تأثیر می‌گیرد، به همان اندازه و حتی شاید بیشتر، کیفر نیز واقعیتی است اجتماعی که در سطحی گسترده آثاری بر اجتماع می‌گذارد و از عوامل مختلف تأثیر می‌گیرد.

اعمال ابزارهایی مثل تخفیف، آزادی مشروط و تعلیق مجازات شمشیرهایی هستند دو لبه که اگر بدون درایت به کار روند، ترازوی عدالت را منحرف می‌کنند و اگر به درستی به کار برده شوند ضامن اجرای عدالت هستند.

می‌شود، بی آنکه بحثی از ضرورت یا خوب و بد بودن آن شود.^{۲۸} جرم‌شناسی هم کیفر را به عنوان عامل اصلاحی - درمانی مورد بررسی قرار می‌دهد. ولی مطالعه و شناسایی کیفرها از میان کل ضمانت‌اجراهای موجود و نیز بررسی تحولات و سنجش کارایی آن‌ها بر حسب محکومان و روش‌ها و مسائل مختلف مربوط به اجرا و اعمال آن‌ها برعهده «کیفرشناسی» است. کیفرشناسی را می‌توان علم کیفر نامید، همانگونه که جرم‌شناسی را علم جرم می‌نامند، و به دیگر سخن کیفرشناسی سازمان داخلی مجازات‌ها و

لذا تنها از همین روش در مطالعات خود بهره می‌جوید. ولی جرم‌شناسی پیوندی از نظام‌های گوناگون از قبیل جامعه‌شناسی جنایی، زیست‌شناسی جنایی و روان‌شناسی جنایی است. لذا در مطالعات جرم‌شناسی از روش‌های گوناگون استفاده می‌شود که یکی از آن‌ها «جامعه‌شناسی» است.

جامعه‌شناسی حقوق کیفری را نباید با جامعه‌شناسی جنایی اشتباه گرفت. جامعه‌شناسی جنایی زیرمجموعه‌ای از جرم‌شناسی قرار می‌گیرد و به مطالعه جامعه‌شناسی پدیده مجرمانه می‌پردازد، چنانکه «کاربونی» می‌گوید: «جامعه‌شناسی حقوق کیفری که کیفر، واکنش جامعه نسبت به جرم را بررسی می‌کند اساساً، امری متفاوت با جامعه‌شناسی جنایی است که این رشته اخیر، پدیده تبهکاری و ارتکاب عمل بزهکاران را بررسی می‌کند»^{۲۹}

با وجود این دو تفاوت در موضوعات و روش، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی حقوق کیفری، به صورت تنگاتنگی به هم پیوند خورده‌اند و بسیاری از مطالب جامعه‌شناسی حقوق کیفری در جرم‌شناسی نیز مطرح می‌شود. حتی امروز برخی جامعه‌شناسان با محدود کردن جرم‌شناسی آن را با جامعه‌شناسی حقوق کیفری یکسان تلقی می‌کنند، و آنرا جرم‌شناسی واکنش اجتماعی می‌خوانند. این نظر در ایالات متحده متولد شد و امروزه در اروپا نیز طرفدار دارد.

یکی از حوزه‌های مطالعه در جامعه‌شناسی حقوق کیفری راه، مطالعه در باب کیفر دانستیم. کیفر را «صورت سرکوب‌گرانه واکنش اجتماعی در مقابل پدیده مجرمانه»^{۳۰} می‌دانند. از این رو مطالعه جامعه‌شناسی کیفر اهمیت ویژه‌ای می‌یابد، چرا که اساساً سیستم حقوق کیفری در جهت واکنش نسبت به پدیده مجرمانه، پایه‌گذاری شده است. مطالعه در خصوص کیفرها، نحوه اجرای آن‌ها به صورت عام موضوع یک رشته علمی به نام کیفرشناسی^{۳۱} است. با توجه به اینکه موضوع بحث ما در این مقاله مطالعه در خصوص کیفر و ضرورت آن است، آشنایی با این رشته علمی ضروری به نظر می‌رسد.

کیفرشناسی

ضمانت‌اجراهای کیفری (مجازات و اقدامات تأمینی) بطور پراکنده در رشته‌های مختلف علوم انسانی مورد مطالعه قرار

وی، شاکی خصوصی یا متضرر از جرم، مردم عادی که اخبار آنرا می‌شنوند، و بر قضات و سیستم قضایی به گونه‌ای اثر می‌گذارد. از سوی دیگر وقتی مجرمی محاکمه و به تحمل کیفر محکوم شد این سؤال مطرح می‌شود آیا سیستم حقوق کیفری وظیفه خود را انجام داده است؟ و وقتی اجرای کیفر به پایان رسید، این سؤال اساسی طرح می‌شود آیا کیفر به اهداف خود رسیده است؟ و ...

کیفرشناسی سعی دارد به این سؤالات پاسخ گوید. یکی از بهترین روش‌ها برای مطالعه کیفر استفاده از روش‌های جامعه‌شناسی و مطالعه کیفر به عنوان یک واقعیت اجتماعی است. نباید فراموش کرد که این رشته سهم مهمی در تحولات اخیر انواع کیفرها داشته است. آنچه امروزه به عنوان کیفر در نظام‌های حقوقی مطرح می‌شود تفاوت اساسی با تصورات گذشتگان از کیفر دارد. به یاد آوریم زمانی را که عمده کیفرها، شامل تنبیهات بدنی و اعمال غیرانسانی بود و به مجرم به عنوان یک انسان نگریسته نمی‌شد و او را به نام اجرای کیفر از ابتدائی‌ترین حقوق محروم می‌کردند.

پس از انقلاب کبیر فرانسه که کیفر حبس، به عنوان مجازات اصلی بسیاری از جرایم انتخاب شد، هنوز سازمان منسجمی برای اجرای این کیفر وجود نداشت. بیش از یک قرن و نیم طول کشید تا وضع زندان‌ها بهبود یابد و کیفر حبس به عنوان عامل اصلاح و بازپروری مورد مطالعه قرار گیرد.^{۲۸}

نتیجه گیری

آنچه بیان کردیم مقدمه‌ای بود از ضرورت آشنایی و کاربرد رشته‌های مرتبط با کیفر و شاید نتیجه‌گیری از این بحث مقدماتی صحیح نباشد ولی در پایان این نکته را متذکر می‌شویم که جامعه‌شناسی کیفر و کیفرشناسی که از رشته‌های جدید جامعه‌شناسی حقوقی و حقوق کیفری است، از ضرورت‌های جامعه حقوقی امروز است. این رشته‌ها به کمک ما می‌آیند تا راهی را که با آزمون و خطا در درازا پیموده می‌شود، با سرعت بیشتری بیامیزیم. متأسفانه در خصوص مجازات‌ها مطالعات اندکی در کشور ما صورت گرفته است و عمده مطالعات جامعه‌شناسی در حقوق کیفری در بخش جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم) منحصر شده است. امید آن که در آینده

نزدیک شاهد گسترش مطالعات در این حوزه باشیم، مطالعاتی که اثر عملی آن بهبود وضعیت قوانین و مقررات کیفری باشد.

امروزه که در همه جا سخن از وضع «مجازات‌های جایگزین حبس» است، شاید بیش از گذشته ضرورت این مطالعات احساس شود. نه تنها در وضع کیفر بلکه هر تغییری در کیفرها اعم از حذف و کاهش و افزایش، اگر بر پایه مطالعات لازم صورت نگیرد، مثر ثمر نخواهد بود.

همچنین در مرحله اجرای قانون نیز جامعه‌شناسی حقوق کیفری بسیار قابل توجه است. اعمال ابزارهایی مثل تخفیف، آزادی مشروط و تعلیق مجازات شمشیرهایی هستند دو لبه که اگر بدون درایت به کار روند، ترازوی عدالت را منحرف می‌کنند و اگر به درستی به کار برده شوند ضامن اجرای عدالت هستند. آنچه قاضی را در اجرای درست این وظایف یاری می‌کند شناخت آثار اجتماعی کیفری است که بدان حکم می‌کند. از سوی دیگر ارزیابی کیفرها هم بدون مطالعه جامعه‌شناختی آثار و نتایج و کارکردهای آن‌ها، کاری بیهوده و بدیهی است. ارزیابی صحیح قوانین کیفری و شناخت صحیح از کیفرها ما را به وضع قوانینی مؤثر و کارآمد رهنمون می‌سازد.

پی نوشت‌ها

- 1 - Maurice Hauriou
- ۲- ژرژ گورویچ، جامعه‌شناسی حقوقی، ترجمه دکتر حسن حبیبی، ص ۳
- 3 - Bouglé
- ۴- همان، ص ۳
- ۵- ژرژ دل وکیو، تاریخ فلسفه حقوق، ترجمه دکتر جواد واحدی، ص ۲۹
- ۶- ژرژ گورویچ، منبع پیشین، ص ۱۱
- ۷- همان، ص ۱۱
- ۸- ژرژ گورویچ، «مسائل جامعه‌شناسی حقوقی»، در کتاب حقوق و جامعه‌شناسی، ترجمه دکتر مصطفی رحیمی، ص ۹۴
- 9 - Ubi Societa ibi jus
- 10 - common law
- ۱۱- ژرژ گورویچ، جامعه‌شناسی حقوقی، منبع پیشین، ص ۱۰
- ۱۲- برنار بولک، کیفرشناسی، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، ص ۰۲
- ۱۳- همان، ص ۲۲
- ۱۴- سزار بکاریا، رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، ص ۷۶
- ۱۵- در کشورهایی که حبس ابد، شدیدترین مجازات است، در اکثر موارد محکوم به حبس ابد

به واسطه تصمیم‌هایی نظیر غفو یا آزادی مشروط پس از گذراندن حداقل حبسی که از سوی دادگاه تعیین شده آزاد می‌گردد.

16 - Juristique criminelle

- ۱۷- ریموند گسن، مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، ص ۲۴
- ۱۸- کاربونی، جامعه‌شناسی حقوقی، ص ۴۴ به نقل از گسن، ص ۲۵
- ۱۹- دکتر محمدعلی اردبیلی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، ص ۱۲۱.

20 - Pénologie

- ۲۱- دکتر محمود آخوندی، آئین دادرسی کیفری، جلد سوم، ص ۱۶
- ۲۲- دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، دیباچه ویراست دوم کیفرشناسی اثر برنار بولک، ص ۷

23 - Raymond Gassin

- ۲۴- ریموند گسن، منبع پیشین، ص ۲۱

25 - Science pénitentiaire

- ۲۶- برنار بولک، منبع پیشین، ص ۱۴
- ۲۷- دکتر تاج زمان دانش، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ ص ۲۳
- ۲۸- شاید بتوان اولین اقدام برای اصلاح وضعیت زندان‌ها و بهبود رفتار با زندانیان را قطعنامه ۳۰ اوت ۱۹۵۵ سازمان ملل متحد در خصوص نحوه رفتار با زندانیان دانست. البته قبل از آن هم اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) در خصوص ممنوعیت شکنجه و کیفرهای سخت، غیرانسانی و تحقیرکننده نکاتی را بیان نموده است.